



سیر انسان در قرآن
جلسه سوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی
دهه اول محرم ۱۴۴۸ ، دبیرستان مفید

سلسله مباحث «سیر انسان در قرآن»
گزارش تحلیلی جلسه سوم
عنوان جلسه: از تقوا تا ایمان به غیب و ربوبیت

۱. مشخصات جلسه

- سلسله مباحث: سیر انسان در قرآن
- جلسه: سوم
- سخنران: استاد محمدحسین رحیمی
- زمان برگزاری: محرم ۱۴۰۵
- مکان: دبیرستان مفید

۲. طرح کلی و هندسه مفهومی جلسه

جلسه سوم در امتداد منطقی مباحث پیشین، به تبیین نخستین شرط بهره‌مندی از هدایت قرآنی می‌پردازد و با حرکت تدریجی از «تقوا» به «ایمان به غیب» و سپس «ربوبیت»، ساختار درونی سیر انسان را صورت‌بندی می‌کند. هندسه مفهومی جلسه را می‌توان در این زنجیره ترسیم کرد:

تقوا (مراقبه) ← بیداری و تنبّه ← ایمان به غیب ← مجاهدت ← گشایش سُبُل ← فهم ربوبیت ← ادراک وابستگی وجودی انسان به خدا
این ترتیب نشان می‌دهد که جلسه نه مجموعه‌ای از مباحث پراکنده، بلکه یک مسیر صعودی پیوسته است.

۳. تحلیل مرحله نخست: تقوا به مثابه مراقبه وجودی

۱-۳. بازتعریف تقوا

سخنران با بازگشت به مباحث جلسات گذشته، تصریح می‌کند که شرط ابتدایی بهره‌مندی از قرآن، «تقوا» است؛ اما تقوا در این بیان، از معنای محدود اخلاقی یا فقهی فراتر رفته و به «مراقبت» تفسیر می‌شود. این مراقبه:

- مطلق و فراگیر است، نه مقید به حوزه‌ای خاص؛
- شامل التفات به خود، حالات درونی، افکار، انگیزه‌ها؛
- و نیز شامل توجه به جهان بیرونی، طبیعت، آفاق و انفس می‌شود.





سیر انسان در قرآن

جلسه سوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی

دهه اول محرم ۱۴۴۸ ، دبیرستان مفید

در این تلقی، تقوا یک «حالت ساختاری در وجود انسان» است؛ نوعی بیداری مستمر که زمینه ادراک حقیقت را فراهم می‌کند.

۲-۳. تقوا و امکان دریافت هدایت

تقوا در این جلسه نه صرفاً یک فضیلت اخلاقی، بلکه «شرط معرفتی» معرفی می‌شود. بدین معنا که بدون حالت مراقبه، انسان اساساً توان دریافت پیام هدایت را نخواهد داشت. بنابراین، تقوا در اینجا نقش «گشودگی وجودی» نسبت به حقیقت را ایفا می‌کند.

۴. تغییر منطق گفتار: از اثبات برهانی به تنبیه و تذکر

یکی از نقاط عطف نظری این جلسه، تصریح سخنران به این نکته است که بحث حاضر در مقام «اثبات» نیست، بلکه در مقام «تنبیه» و «تذکر» است.

۱-۴. ماهیت تنبیهی خطاب قرآنی

در این قرائت، قرآن بیش از آنکه دستگاهی استدلالی برای اقناع ذهن باشد، ندایی برای بیدار کردن فطرت است. بدین ترتیب:

- اگر انسان حقیقتی را «بیابد»، این یافتن محصول بیداری اوست؛
 - و اگر نیابد، مشکل در ساختار استدلال نیست، بلکه در فقدان تجربه و آمادگی وجودی است.
- اینجا تمایز میان «دانستن مفهومی» و «یافتن وجودی» برجسته می‌شود؛ تمایزی که در سنت حکمت اسلامی نیز سابقه‌ای عمیق دارد.

۵. ایمان به غیب: عبور از سطح اسباب به عمق واقعیت

۱-۵. تعریف غیب

پس از تقوا، سخنران به آیه «یؤمنون بالغیب» استناد می‌کند و غیب را نه صرفاً امر نامرئی، بلکه حقیقت مستتر در پس شبکه اسباب و علل معرفی می‌نماید.

در این چارچوب:

- اسباب ظاهری (آب، دارو، پزشک، تعلیم، برنامه‌ریزی) در سطح شهادت قرار دارند؛
 - اما فاعلیت نهایی و حقیقت بنیادین در سطح غیب مستقر است.
- ایمان به غیب، به معنای نفی اسباب نیست، بلکه به معنای عبور از توقف در اسباب و رؤیت عمق الهی نظام عالم است.

۲-۵. پیامدهای وجودی ایمان به غیب

ایمان به غیب صرفاً یک گزاره اعتقادی نیست؛ بلکه:

- افق معنابخشی به زندگی را تغییر می‌دهد؛
- نسبت انسان با مسئولیت، رزق و انفاق را دگرگون می‌کند؛
- و زندگی را از پراکندگی به جهت‌مندی سوق می‌دهد.





سیر انسان در قرآن
جلسه سوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی
 دهه اول محرم ۱۴۴۸ ، دبیرستان مفید

استناد به «و مما رزقناهم ینفقون» در این زمینه، نشان‌دهنده پیوند معرفت و اخلاق است.

۶. مجاهدت و گشایش راه‌های هدایت

استناد به آیه «الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا» حلقه اتصال میان ایمان و حرکت عملی است.

۱-۶. هدایت به مثابه فرآیند پویا

هدایت در این تحلیل:

- امری ایستا و اعطایی صرف نیست؛

- بلکه در نسبت با «جهاد» و حرکت انسان گشوده می‌شود.

بدین معنا که راه‌های هدایت، در پی گام برداشتن انسان آشکار می‌گردد. این نگرش، سیر انسان را فرآیندی تدریجی و تعاملی میان اراده انسانی و فیض الهی معرفی می‌کند.

۷. ورود به مفهوم «رب» و تبیین ربوبیت

۱-۷. معنای لغوی و وجودی رب

سخنران «رب» را حقیقتی معرفی می‌کند که موجود را از «نقص» به «کمال» می‌رساند. از این معنا، واژگان «تربیت» و «مربی» نیز منشعب می‌شوند.

ربوبیت، در این دستگاه فکری، عبارت است از:

فرآیند مستمر رساندن موجود از مرتبه‌ای ناقص به مرتبه‌ای کامل‌تر.

۲-۷. نقد فهم اعتباری از مالکیت

در ادامه، مفاهیمی چون مالکیت، ریاست و حکومت به‌عنوان «اعتباریات اجتماعی» تحلیل می‌شوند؛ مفاهیمی که وجودشان وابسته به قراردادهای انسانی است.

سخنران هشدار می‌دهد که نباید این مفاهیم اعتباری را بی‌واسطه بر خداوند حمل کرد؛ زیرا ربوبیت الهی، نه از سنخ قرارداد اجتماعی، بلکه از سنخ نسبت وجودی است.

۸. تمثیل آینه و تبیین وابستگی وجودی

برای تقریب ذهن، تمثیل تصویر در آینه ارائه می‌شود:

- تصویر استقلال از صاحب تصویر ندارد؛

- وجود و بقای آن وابسته به اوست؛





سیر انسان در قرآن
جلسه سوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی
دهه اول محرم ۱۴۴۸ ، دبیرستان مفید

• و بدون او تحقق نمی‌یابد.

این مثال نشان می‌دهد که نسبت انسان با خداوند، نسبتی وجودی و قیومی است، نه نسبتی قراردادی یا حقوقی. در همین افق، عبارت «إنا لله» معنایی عمیق می‌یابد: انسان در اصل هستی خویش، قائم به خداوند است.

۹. جمع‌بندی نهایی

جلسه سوم، سیر انسان در قرآن را در قالب یک فرآیند چندمرحله‌ای ترسیم می‌کند:

۱. آغاز با تقوا به مثابه مراقبه و بیداری؛
 ۲. گشودگی به ایمان به غیب و درک لایه پنهان واقعیت؛
 ۳. ترجمه این ایمان در قالب مجاهدت و حرکت عملی؛
 ۴. گشایش راه‌های هدایت در پی تلاش؛
 ۵. تعمیق فهم در قالب ربوبیت و رساندن از نقص به کمال؛
 ۶. و در نهایت، ادراک وابستگی وجودی انسان به خداوند.
- در این چارچوب، قرآن کتابی است که انسان مراقب را از سطح ظواهر به عمق هستی می‌برد و او را در مسیر صیروت از نقص به کمال، تحت ربوبیت الهی قرار می‌دهد.





کالبدشکافی مشروح سخنرانی

۱. لایه‌ی نخست: الهیات آغازین و فضا سازی قدسی

شروع جلسه با دعا و توسل، صرفاً آغاز عاطفی نیست؛ بلکه جهت‌دهی متافیزیکی به کل بحث است. سخنران از همان آغاز روشن می‌کند که این مباحث در فضای زیر طرح میشوند:

- یاد خدا،
 - یاد اولیاء،
 - و توجه به مرگ، شهادت، و مسئولیت
- این کار باعث می‌شود که «بحث قرآن» از سطح دانشگاهی خشک خارج شود و در یک فضای حضوری و سلوکی قرار بگیرد.

۲. لایه‌ی دوم: بازتعریف تقوا

تقوا در این سخنرانی، از یک امر اخلاقی کم‌دامنه به یک ساختار وجودی مراقبه‌محور تبدیل می‌شود.

نکته‌ی کلیدی:

تقوا یعنی انسان:

- خودش را رها نکند،
 - حواسش جمع باشد،
 - درون و بیرون را ببیند،
 - و نسبت به حقیقت حساس باشد.
- این تعریف، تقوا را از سطح «ترک گناه» به سطح هشیارِی مستمر ارتقا می‌دهد.

۳. لایه‌ی سوم: تغییر منطق از اثبات به بیدل‌گری

سخنران عمداً از زبان «اثبات» فاصله می‌گیرد.

چرا؟ چون می‌خواهد بگوید:

- حقیقت دینی همیشه با منطقِ صوری بیرونی گشوده نمی‌شود.
- بعضی حقایق فقط وقتی فهمیده می‌شوند که انسان در آن‌ها زندگی کند.

اینجا تفاوت میان:

- فهم نظری
- و یافتن وجودی

دقیقاً برجسته می‌شود.





سیر انسان در قرآن
جلسه سوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی
دهه اول محرم ۱۴۴۸ ، دبیرستان مفید

۴. لایه‌ی چهارم: غیب به‌مثابه عمقِ واقعیت

مفهوم غیب در این جلسه بسیار مهم است.

غیب در این سخنرانی، یک امر رازآلودِ مبهم نیست؛ بلکه بُعدِ پشت‌صحنه‌ی عالم است.

به عبارت دقیق‌تر:

- شهادت = سطح آشکارِ پدیده‌ها
 - غیب = ساختارِ پنهانِ معنا و فاعلیت الهی پشت این پدیده‌ها
- این خوانش، انسان را از جزم‌گراییِ حس‌گرا عبور می‌دهد.

۵. لایه‌ی پنجم: اخلاق و عمل

استاد نشان می‌دهد که معرفت غیب باید به انفاق و جهاد منتهی شود.

پس شناخت، اگر در عمل ترجمه نشود، هنوز کامل نشده است.

از این‌رو، اخلاق در این بحث:

- محصول جانبی نیست،
- بلکه نشانه‌ی صدقِ معرفت است.

۶. لایه‌ی ششم: ربوبیت و نقدِ تصوراتِ انسان‌ساخته

وقتی بحث به رب می‌رسد، سختران وارد سطحی دقیق‌تر می‌شود:

- انسان معمولاً جهان را با مقولات اعتباری می‌فهمد.
 - اما خداوند را نمی‌توان با همان مقولات توضیح داد.
- این بخش، یکی از فلسفی‌ترین قطعات جلسه است، چون مرز میان:

- هستی‌شناسی
- و قراردادهای اجتماعی

را روشن می‌کند.

۷. لایه‌ی هفتم: مثال آینه به‌عنوان تصویرِ وابستگی و جودی

تمثیل آینه، بسیار راهگشاست.

در این تمثیل:

- تصویر، از صاحب تصویر جدا نیست،
- استقلال ندارد،





سیر انسان در قرآن
جلسه سوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی
دهه اول محرم ۱۴۴۸ ، دبیرستان مفید

• و اگر صاحبش نباشد، تصویر هم نیست.

این تمثیل برای نزدیک کردن ذهن به این حقیقت است که:

وجود انسان، وجود قائم به خود نیست، بلکه قائم به غیر است.

۸. لایه ه هشتم: نتیجه گیری نهایی

نتیجه ی نهایی سخنرانی این است که انسان اگر بخواهد حقیقت قرآن را بفهمد، باید:

۱. با تقوا وارد شود،

۲. از غیب عبور کند،

۳. با جهاد حرکت کند،

۴. و در نهایت ربوبیت الهی را نه با مفهومی اعتباری، بلکه با ادراک وجودی درک کند.

۴) جمع بندی بسیار فشرده

اگر بخواهم کل جلسه سوم را در یک جمله فشرده کنم، می شود گفت:

جلسه سوم توضیح می دهد که قرآن از انسان مراقب آغاز می کند، او را به ایمان به غیب می رساند، سپس با مجاهدت راه های هدایت را می گشاید، و در نهایت فهمی عمیق از ربوبیت و وابستگی وجودی انسان به خدا ارائه می کند.





سیر انسان در قرآن

جلسه سوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی

دهه اول محرم ۱۴۴۸، دبیرستان مفید

خلاصه منسجم و پیوسته سه جلسه گذشته به عنوان گزارش علمی کوتاه از کل مجموعه

در سلسله مباحث «سیر انسان در قرآن»، استاد محمدحسین رحیمی با طرح این پرسش بنیادین آغاز می‌کند که قرآن را باید چگونه خواند و از آن بهره گرفت. نقطه عزیمت این بحث، تغییر زاویه نگاه به قرآن است. قرآن صرفاً کتاب تاریخ، مجموعه‌ای از احکام، یا گزارش وقایع گذشتگان نیست؛ بلکه پیش از هر چیز «کتاب انسان» است. چنان‌که خود قرآن می‌فرماید: «فیه ذکرکم». به این معنا، قرآن آینه‌ای است که انسان در آن می‌تواند حقیقت خود را ببیند و ساختار درونی خویش را بشناسد.

از این منظر، بسیاری از شخصیت‌ها و داستان‌های قرآنی را نباید تنها به عنوان رویدادهای تاریخی فهمید، بلکه باید آن‌ها را همچون تیپ‌ها و الگوهای وجودی انسان نیز در نظر گرفت. شخصیت‌هایی مانند شیطان، فرعون و قارون صرفاً افراد متعلق به گذشته نیستند؛ بلکه هر یک نماد نوعی گرایش و ساختار درونی در انسان‌اند. شیطان نمایانگر تکبر و خودبینی، فرعون نماد استکبار و میل به سلطه، و قارون نماد دلبستگی افراطی به مال و دنیا است. از این رو، مواجهه با قرآن در حقیقت مواجهه‌ای با خویش است و انسان در آیات قرآن می‌تواند وجوه مختلف وجود خود را بازشناسد.

در ادامه بحث، این پرسش مطرح می‌شود که انسان چگونه می‌تواند از قرآن هدایت بگیرد. قرآن خود پاسخ این پرسش را در آغاز سوره بقره بیان می‌کند: «هدی للمتقین». بنابراین شرط نخست بهره‌مندی از هدایت قرآنی «تقوا» است. با این حال، در این سخنرانی تقوا به معنای رایج و محدود اخلاقی یا فقهی آن فروگذاشته نمی‌شود، بلکه به عنوان «مراقبه» تفسیر می‌گردد. تقوا در این معنا نوعی بیداری و توجه دائمی است؛ حالتی از هشیاری که انسان را نسبت به درون خود، افکار و انگیزه‌هایش، و نیز نسبت به جهان پیرامون حساس و آگاه می‌سازد. انسانی که در چنین حالتی از مراقبه قرار می‌گیرد، آمادگی پیدا می‌کند تا حقیقت را دریابد و پیام هدایت را بشنود.

در اینجا سخنران بر نکته‌ای مهم تأکید می‌کند: هدف این مباحث ارائه اثبات‌های نظری صرف نیست، بلکه تئیه و تذکر است. بسیاری از حقایق دینی از سنخ اموری نیستند که تنها با استدلال‌های ذهنی فهمیده شوند؛ بلکه انسان باید آن‌ها را در وجود خود بیابد. از این رو میان «دانستن» و «یافتن» تفاوتی اساسی وجود دارد. ممکن است انسان مفهومی را بفهمد، اما هنوز آن را در جان خود تجربه نکرده باشد. قرآن بیش از آنکه در پی اقتناع ذهن باشد، در پی بیدار کردن فطرت انسان است.

پس از تقوا، قرآن ویژگی دیگری برای اهل هدایت ذکر می‌کند: «یؤمنون بالغیب». در این بحث، غیب صرفاً به معنای امور نامرئی یا پنهان تلقی نمی‌شود، بلکه به حقیقتی اشاره دارد که در پشت شبکه اسباب و علل عالم قرار دارد. انسان در زندگی روزمره خود با مجموعه‌ای از اسباب ظاهری روبه‌رو است؛ مانند طبیب، دارو، ابزار، برنامه‌ریزی و دیگر عوامل طبیعی. اما ایمان به غیب به این معناست که انسان در این اسباب متوقف نشود و حضور و فاعلیت الهی را در پس این نظام علی مشاهده کند. به بیان دیگر، اسباب نفی نمی‌شوند، اما حقیقت در آن‌ها خلاصه نمی‌گردد.

قرآن پس از ذکر ایمان به غیب، بلافاصله به عمل اشاره می‌کند و می‌فرماید: «و مما رزقناهم ینفقون». این ترتیب نشان می‌دهد که ایمان حقیقی باید در رفتار انسان تجلی پیدا کند. کسی که حقیقتی را درک کرده است، نسبت او با مال، قدرت، و امکانات زندگی نیز دگرگون می‌شود و این دگرگونی در قالب انفاق و مسئولیت اجتماعی ظهور می‌یابد.

در گام بعدی، آیه «الذین جاهدوا فینا لنهینهم سبلنا» مطرح می‌شود که قانونی اساسی در مسیر هدایت را بیان می‌کند. هدایت در قرآن امری منفعلانه نیست که بدون تلاش و حرکت به دست آید؛ بلکه راه‌های هدایت در نسبت با مجاهدت انسان گشوده می‌شوند. به عبارت دیگر، حرکت انسان شرط ظهور هدایت الهی است. انسان با تلاش، مجاهدت و جدیت در مسیر حق، زمینه‌گشایش راه‌های تازه هدایت را فراهم می‌کند.

در ادامه بحث، سخن به مفهوم «رب» و ربوبیت الهی می‌رسد. رب در این تحلیل به معنای حقیقتی است که موجود را از نقص به کمال می‌رساند. از همین معنا واژگان تربیت و مربی نیز گرفته شده‌اند. ربوبیت الهی بیانگر فرآیند پیوسته‌ای است که در آن انسان تحت تدبیر الهی از مراتب پایین‌تر وجود به مراتب بالاتر کمال حرکت می‌کند. در اینجا سخنران به نکته‌ای ظریف اشاره می‌کند: بسیاری از مفاهیمی که انسان در زندگی اجتماعی با آن‌ها سر و کار دارد - مانند مالکیت، ریاست یا حکومت - از سنخ اعتباریات هستند؛ یعنی مفاهیمی که بر اساس قراردادهای انسانی شکل گرفته‌اند. اگر این مفاهیم بدون تأمل به خداوند نسبت داده شوند، ممکن است تصویری نادرست از رابطه خدا و انسان ایجاد کنند. ربوبیت الهی از سنخ این اعتباریات نیست، بلکه نسبتی واقعی و وجودی میان خدا و انسان است.

برای تقریب این معنا، تمثیل تصویر در آینه مطرح می‌شود. تصویری که در آینه دیده می‌شود، از خود استقلالی ندارد؛ وجود آن وابسته به صاحب تصویر است و بدون او تحقق نمی‌یابد. این مثال نشان می‌دهد که وجود انسان نیز استقلال کامل ندارد، بلکه قائم به خداوند است. از این منظر، عبارت قرآنی «إنا لله» معنایی عمیق پیدا می‌کند: انسان در اصل وجود خود وابسته به خداوند است و حرکت او در مسیر کمال، در پرتو ربوبیت الهی تحقق می‌یابد.





سیر انسان در قرآن
جلسه سوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی
دهه اول محرم ۱۴۴۸ ، دبیرستان مفید

بدین ترتیب، مجموعه این مباحث تصویری از «سیر انسان در قرآن» ارائه می‌کند: انسان با مراقبه و تقوا وارد مسیر هدایت می‌شود، با ایمان به غیب از سطح ظواهر عبور می‌کند، با مجاهدت راه‌های هدایت را می‌گشاید، و در نهایت در پرتو ربوبیت الهی در مسیر حرکت از نقص به کمال قرار می‌گیرد. قرآن در این معنا کتابی است که انسان را با حقیقت خویش آشنا می‌کند و او را در مسیر صیروت وجودی به سوی کمال راهنمایی می‌نماید.

